



**محمدعلی سعیدی** از فریدس: عکس روی جلد خوب است اما اگر عکسی انتخاب می‌کردید که چهره پریاز ایدیزار و شیرین بزاد بخش هم بود، بهتر می‌شد. مطلب پنج صفحه و نیم آقای شجری کهن مملو از سؤال و ابهام است. لطفاً اگر انتقادی دارید منصفانه بیان کنید نه این‌که از هر فیلمی دو یا سه مورد منفی را بگویید و نکات قوت و مثبت را نادیده بگیرید. مطلب آقای سلح‌جو خیلی عالی بود.

**یاسر توافقی** از فاروج: این شماره عالی و خواندنی بود، به‌خصوص یادداشت‌های جواد طوسی و پرویز نوری در «خشت و آینه».

**عباس درخشانی** از رباط‌کریم: در گذشت فروزان و به خاک سپردنش در سکوت بسیار تلخ بود. ممنون از احمد طالبی‌نژاد که از ایشان یاد کردند، البته با کنایه.

**کوشکی** از بروجرد: کلا نامید و کلافامم کردید. جلد این شماره را به فیلم تحسین‌شده اید و یک روز اختصاص دادید، ولی بجز چند یادداشت کوتاه، چیزی در مورد «پدیده» یا جشنواره نداشتید.

**چاپ نقد و مصاحبه با عوامل فیلم‌های مطرح در زمان اکران انجام می‌شود که در شماره نوروز شد.** اید و یک روز هم به این دلیل روی جلد آمده که فیلم

**انتخابی نویسنده‌گان مجله بود.**

**عباس فیوضی** از مشهد: «حوال پرسی» این شماره بسیار به‌جا و واجب بود. ولی خانم افسر اسدی، کلیدر خودش یک شعر بلند جدلی است، بسیار زیبا و کامل. شما می‌خواهید یا این چه کنید؟

**مهرداد نژادی** از تهران: احوال‌پرسی با افسر اسدی تک‌نم داد. حالم بد شد. یاد آذر شیوا افتادم که آدمس می‌فروخت. اگر خانم اسدی کار گل را جدی بگیرد حتماً روزی بهتر می‌گردد. گل‌فروشی را خواهد داشت. **بهنوش نصرتی** از شیراز: همیشه عاشق شماره اسفند مجلهم، چون با خواندنش انگار همه فیلم‌های جشنواره را با نگاه دقیق و موشکافانه‌ای دیدم. با سپاس فراوان از جهانبخش نورایی و شاهین شجری کهن. بخش «حوال پرسی» عالی بود.

**مهدی شهریاری** از گچساران: این شماره مثل همیشه خواندنی و پر از یادداشت‌های درجه یک بود. مثل یادداشت‌های جهانبخش نورایی که پر از نکته‌ها و اشار‌های راهگشا بود. مانند نظرش درباره فیلم‌های **لانتوری** و **ابد و یک روز**. اما نکته غافل‌گیرکننده شماره اسفند بخش «حوال پرسی» از افسر اسدی و ماجرای گل‌فروشی سر چهارراه بود که رعش‌میرانگیز و ویران‌کننده بود. کاش یک شوخی تلخ بوده باشد.

**حسین بختیاری** از بوکان: تلخ‌ترین مطالبی که در این شماره خواندم، مربوط به شادروان فروزان بود و آن میوه‌فروش نالسناس که تف انداخته بود. متأسفیم که این‌ها را می‌شنویم. حیف و هزار بار بغض **محمدجعفر شیرین** از همدان: عنوان «ستاره مرد» برای مطلب فروزان منصفانه و زیبا نبود، در حالی که متن نوشته تا حدودی مثبت بود.

**این عنوان یک ترانه قدیمی است از حسن گل‌زراقی که نویسنده تصور کرده عنوان مناسبی برای مطلبش است و ما هم با او موافقیم.**

**اسمیت صاحبی** از شاهرود: صرفاً جهت اطلاع احمد طالبی‌نژاد عزیز؛ زهره شکوفنده در هیچ‌یک از فیلم‌های فروزان گویندگی نکرده و عمده نقش‌های وی در مرحوم ژاله کلمفی و مهین کسمایی گویندگی کرده‌اند.

**اکبر نقوی** از کرمان: مطلب احمد طالبی‌نژاد به مناسبت درگذشت خانم فروزان، در عین اختصار، گویا و جذاب است و حاوی ناگفته‌هایی درباره ایشان. اما آیا همین قدر کافی است؟

**درباره این بازیگر، مطلب مفصل‌تری در شماره اخیر کتاب سال سینمای ایران، از بهزاد عشقی هم چاپ شد.**

**محسن صادق‌پور** از کاشان: انتظار دیدن کلمات ناپسند را در مجله عزیزم ندارم. در مطلبی که راجع به سریال‌های ترکیه داشتم، از عبارت «گردشگرهای خربوز عرب» استفاده کرده‌اید که در شأن مجلهمان نیست. میزناقطی نیست، اما... دوست‌تان دارم.

**یاس امینی:** گزارش‌های بخش فیلم به فیلم جشنواره اشفته و بدون ترتیب بود. انتخاب‌های منتقدان هم برعکس هر سال خلاصه شده بود و در بخش رأی‌گیری، نام برخی سینماگران انتخاب‌شده بدون ذکر نام فیلم مربوطه درج شده بود.

**خواننده عزیز، بعضی از خلاصه**

**شدن‌ها یا تکرار نشدن اسامی به خاطر صرفه‌جویی و چاپ مطلب بیش‌تر است.** ضمن این‌که در هیچ شماره‌ای پس از جشنواره‌ای این همه مطلب درباره آن دوره جشنواره نداشتیم.

**مینا قدیری** از تهران: واقعاً به نظر خودتان گزارش‌های جشنواره فجر جای کار بیش‌تری نداشت؟ برای گزارش تنها کار جشنواره مهم و رسمی سینمای ایران، فقط سه‌تا عکس از برندگان کافی بود؟ استثنائاً در این شماره از چاپ آگهی کم می‌کردید تا بهانه‌ای جای چاپ حل می‌شد.

**خواننده نازنین، کم‌لطفی نمی‌کنید؟** کدام نشریه به فاصله کوتاهی پس از یک رویداد سینمایی این قدر گزارش‌ها و مطلب چاپ می‌کند؟ اگر قرار بود عکس‌های بیش‌تر چاپ کنیم به‌مراتب راحت‌تر بودیم. در ضمن حذف آگهی‌ها به معنای چاپ مطلب به جای آن‌ها نیست: در آن صورت باید صفحه‌های بیش‌تری را از مجله حذف کنیم!

**حسین عموییگی** از اصفهان: استاد طوسی چرا بر اژدها وارد می‌شود این قدر تند نقد نوشته‌است؟ نکند همنشین با منتقد تلویزیون باعث این لحن تند شده. تشکر از هوشنگ گل‌مکانی و آرامه‌اعتمادی که به اهمیت نقش بازیگران تئاتری در سینمای ایران اشاره کرده‌اند و تأثیر آن‌ها در سینما نوشتند و تشکر برای صفحه «حوال پرسی». استاد بهزاد عشقی شما که در نوشته‌تان به مهر و مهرطلبی اشاره کرده‌اید، بهتر بود از کلمه فیض‌ساز برای سازنده فیض استفاده نمی‌کردید.

**بهزاد عشقی:** درست می‌گویید و من هم معمولاً می‌کوشم چنین باشم. فیلم به ساختن گناه کبیره نیستیم و ما هم دانایی کل نیستیم و تمام حقیقت را در اختیار نداریم و چه‌بسا می‌توانیم در داوری خود بر خطا باشیم. بدون تردید جایگاه تاریخی مسعود کیمیایی غیر قابل‌انکار است، اما این فیلم‌ساز با توقف در گذشته و لجاجت با خرده‌گیران، گاه بیش‌تر از منتقدان به خود جفا می‌کند. در هر صورت از تذکر و یادآوری شما ممنون.

**محمدرضا محرابیان** از تهران: این‌که آقای شجری کهن در انتهای مطلبش در مورد فیلم‌های جشنواره به دیدگاه و نظرات آقای پرویز نوری ایراد بگیرد عجیب بود. **فرزانه ارجمند** از شیراز: با خواندن مطلب شاهین شجری کهن عزیز لذت بردم از

ادبیات غنی ایشان و نکات تازه‌ای آموختم از دانش سینمایی این جوان. حیف از ادبیات غنی شماسنت که کلمه بدون معنی «سوبله» و اصطلاح نه‌چندان زیبای «اسکل» را در نوشته برابر خود آورده‌اید.

**شاهین شجری کهن:** ممنونم از دقت و توجه شما. درباره اصطلاحاتی چون «سوبله» و «اسکل» معتمد که وقتی در زمان عامه و ژانری معنادار می‌شود اشکالی ندارد که در مطالب رسمی و مکتوب از آن استفاده کنیم؛ به‌خصوص اگر بار طنز و کنایه‌ای مد نظرمان باشد که در واژه‌های مترادف کم‌تر قابل‌انتقال باشد. زبان مخفی یا «آر‌گو» بخش غیرقابل‌حذفی از زبان است و مطالعه که در واژه‌های مترادف کم‌تر قابل‌انتقال باشد. زبان مخفی یا «آر‌گو» بخش غیرقابل‌حذفی از زبان است و مطالعه که در واژه‌های مترادف کم‌تر قابل‌انتقال باشد. زبان مخفی یا «آر‌گو» بخش غیرقابل‌حذفی از زبان است و مطالعه که در واژه‌های مترادف کم‌تر قابل‌انتقال باشد.

**آرش کرمی** از تهران: به احترام مطلب مفصل و خواندنی شاهین شجری کهن که‌لاهم از سر برمی‌دارم. «باز باران...» را البته می‌توان به کل سینمای ایران تعمیم داد. فیلم‌های جشنواره را ندیدم و مهدویان را هم از آخرین روزهای زمستانش قضاوت کردم که از تلویزیون دیدم. پاراگراف آخر مطلب تهماسب صالح‌جو به دلم چسبید.

**علی مسلمان‌زاده** از مشهد: مطلب آقای شجری کهن سرتاسر خرده‌گیری به تقریباً همه فیلم‌های جشنواره است. با این حال دلخور شده که تعدادی از منتقدان کهنه‌کار چرا اژدها وارد می‌شود را نپسندیدند.

**اسماعیل عبادی** از تهران: آقای شجری کهن، این چه استدلالی است که در طرفداری از فیلم‌های مورد علاقه خود آورده‌اید؟ مشکل فیلم مورد نظر شما این نیست که خون‌آشام‌ها واقعی هستند یا نه. مشکل این است که فیلم‌ساز نتوانسته موضوع را بپرواند و به بیننده انتقال دهد.

**عبادالله دبیقی** از مرودشت: اکثر مطالب عزیزان مبتدی از دیدگاه و نظریه‌های متفاوت بر فیلم‌های این دوره جشنواره خواندنی بود. متشکرم از آقای گل‌مکانی عزیز که همیشه تک‌خالی در استین دارد. عزیزان منتقد با ستایش یک‌صدای خود، حسابی